

بررسی تاثیر بافت‌های متروکه و فرسوده شهرها بر ارتکاب جرم و مآمن نسبی

برای بزهکاران

ندا غلامپور^۱

شماره ۴۷،

دوره ۷،

سال پنجم،

زمستان ۱۴۰۱،

صص ۱-۱۸

چکیده

فضاهای شهری به صورت محیط زندگی و فعالیت شهروندان بایست باتوجه به اشتراکات و تفاوت‌های بین اشخاص و گروه‌های سنی، اجتماعی، جنسی، محیطی دارای امنیت سالم، پایدار و جذاب برای تمام اشخاص ایجاد کنند و باتوجه به احتیاجات کل اقشار اجتماعی جواب متناسب بدهند یا دست‌کم جوابگوی حداقل احتیاجات اشخاص باشند. بنابراین، یکی از مهم‌ترین بحث‌های شهرهای زیست‌پذیر که اخیراً، مدنظر برنامه‌ریزان و مدیران شهری قرار گرفته، مقوله امنیت شهر و احساس امنیت شهروندان به دلیل گوناگونی مانند تراکم جمعیت و عدم ارتباط چهره به چهره است. امنیت در محیط‌های شهری یکی از ملزومات کیفیت زیست شهروندان محسوب می‌گردد. به دلیل اهمیت خاص این مسئله، پژوهش جاری با هدف بررسی نقش بافت‌های فرسوده و متروکه در ارتکاب جرایم، در قالب مطالعات کتابخانه‌ای و با استفاده از شیوه تحلیلی-توصیفی، این رسالت را به انجام رسانده و ژرف کاوی مناسبی را در این زمینه انجام داده است. نتایج بیان کننده آن است که اساساً بافت فرسوده به بخشی از توسعه شهری گفته می‌شود که نداشتن برنامه ریزی، کنترل و رعایت ضوابط و مقررات شهرسازی توسط گروهایی از مردم که عمدتاً فقرا و گروه‌ها با درآمد پایین شهری و مهاجران روستایی هستند، ایجاد می‌شود. در محلات بافت فرسوده نرخ جرایم و بزهکاری به علت تراکم بالای جمعیت، فقر فزاینده، شکستگی ساختارها و ایجاد گسست‌ها اجتماعی، تضعیف پیوندهای اجتماعی و همچنین رهایی افراد از فشار افکار عمومی و کنترل رسمی، بالا بررسی می‌شود. در واقع می‌توان گفت که نسبتی میان بافت فرسوده شهری و متروکه، با جرم و آسیب‌های اجتماعی وجود داشته و این مناطق مانند جزیره‌های آسیب زای شهری، از منابع اصلی جرم و بزهکاری محسوب می‌شوند. بررسیها بیان کننده که بافت‌های فرسوده و متروکه شهری، به دلیل شرایط محیطی و وجود عناصر نامساعد و همچنین به دلیل بافت ناهمگون اجتماعی و فرهنگی از مناطق شهری پر از جرم می‌باشند. چنانچه سیاستهای صحیح جهت پیشگیری از وقوع جرم مورد استفاده قرار نگیرد به امنیت جامعه که محور جوامع بشری است آسیب وارد می‌کند.

کلمات کلیدی: بافت فرسوده، اماکن متروکه، ارتکاب جرایم، حاشیه شهرها، حقوق ایران

۱- کارشناسی ارشد حقوق، گرایش جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گلبهار، خراسان رضوی، ایران (نویسنده مسئول)

اداره و سازماندهی جامعه مدرن و توسعه روزافزون آن چنان عارضه‌هایی ایجاد کرده است که در بیشتر موارد به درماندگی ختم شده است که امروزه به عنوان بحران شناخته می‌شود. بافت‌های فرسوده و متروک شهری یکی از پیامدهای توسعه ناهموار در نظام شهرنشینی است. در روند شهرنشینی، به ویژه پس از انقلاب صنعتی و قرن ۱۹، با دگرگونی ساختار سستی اجتماعی-اقتصادی، توزیع نابرابر منابع و امکانات در فضای منطقه ایجاد شده است (زاهدی، ۱۳۹۶).

از سوی دیگر، شهرنشینی لجام گسیخته منجر به حاشیه نشینی و فقر گسترده، اتلاف منابع و انرژی می‌شود. بافت‌های فرسوده و متروک در شهرها ارتباط مستقیمی با جرم و جنایت دارند. تنوع و تجمل، تفاوت فاحش طبقات اجتماعی ساکن در شهرهای بزرگ، تورم و هزینه‌های بالای زندگی، افراد ناکارآمدی که برای رفع نیازهای خود از زندگی خود، حتی اگر غیرقانونی باشد، حمایت نمی‌کنند. افزایش جرم و جنایت در سال‌های اخیر تصادفی نیست و گسترش سریع حاشیه نشینی و زندگی در بافت فرسوده شهری ریشه در آن دارد و به همین دلیل شهرهای بزرگ کشور با جاذبه‌های اقتصادی و فرهنگی در معرض خطر هستند، زیرا روند افزایش جمعیت مهاجران در مناطق سرعت بی‌سابقه‌ای دارد (شجاعی نژاد و همکاران، ۱۳۹۹).

احساس ناامنی در محله این است که نه تنها جرایم خشن، بلکه رفتارهای غیرقانونی و مخرب مانند اعتیاد به مواد مخدر، ولگردی، تکدی‌گری و دزدی عامل اصلی ترس و ناامنی در جامعه است. جنایت گسترده همانطور که پنجره یک ساختمان شکسته و بدون تعمیر رها می‌شود، کل ساختمان به زودی ویران می‌شود. برای جلوگیری از تخریب جامعه، باید به محض نقض هنجار اول، بلافاصله با هنجار شکن برخورد کرد. موضوع وجود کارخانجات قدیمی و متروک شهری یکی از معضلات شهری است که از منظر بستری برای وقوع جرم، مورد توجه کارشناسان حقوقی و پزشکی قانونی و جرم‌شناسان است (خانباشی، ۱۳۹۸).

بنابراین می‌توان گفت در دنیای امروز پدیده بافت فرسوده و متروک شهری و مسکن در شهرها و کلان شهرها قریب الوقوع بوده و یکی از چالش‌های مدیریت شهری است که امنیت منطقه را تهدید خواهد کرد. بافت پراکنده به بخشی از توسعه شهری اطلاق می‌شود که بدون ضوابط و مقررات برای برنامه‌ریزی، کنترل و توسعه شهری توسط انبوهی از مردم که عمدتاً فقیر و اقشار کم درآمد شهری و مهاجران روستایی هستند ایجاد می‌شود. نرخ بزهکاری و بزهکاری در محله‌های فرسوده به دلیل تراکم بالای جمعیت، افزایش فقر، متلاشی شدن ساختارها و ایجاد شکاف‌های اجتماعی، تضعیف پیوندهای اجتماعی و نیز رهایی مردم از فشارهای افکار عمومی و کنترل رسمی بالاست.

در واقع می‌توان گفت که بین خواب و خروج از شهرها از جمله جرایم و آسیب‌های اجتماعی ارتباط زیادی وجود دارد و آن مناطق از جزایر آسیب دیده شهرها به عنوان محل اصلی جرایم و جرایم به حساب می‌آیند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که به دلیل شرایط محیطی و وجود عناصر بد و همچنین شرایط مختلف اجتماعی و فرهنگی، شهرهای فقیر و متروکه‌ترین شهرها به شمار می‌روند. گیدنز بر این باور است که در مناطق دوستدار مهاجران و معلولان، به دلیل افزایش تحرک و وجود هویت شخصی در یک طرف و عدم تماس چهره به چهره و عدم کنترل سایر سنت‌ها، فاصله افزایش می‌یابد (گیدنز، ۲۰۱۹). همین مسئله ضرورت پیشگیری از جرایم ارتكابی در این مناطق را نمایان می‌سازد.

بر همین اساس تحقیق حاضر قصد داشته به این سوال پاسخ دهد که تاثیر بافت‌های متروکه و فرسوده شهرها بر ارتکاب جرم و مأمّن نسبی برای بزهکاران چیست؟

چارچوب نظری پژوهش

تعاریف و مفاهیم

در خصوص مفهوم کلی بافت فرسوده و متروکه باید گفت که زاغه‌هایی که به «سکونت‌گاه‌های حاشیه‌ای» معروف هستند، پدیده‌ای است که در سال‌های اخیر در شهرها پدید آمده و معمولاً نتیجه توسعه اجتماعی و اقتصادی است. و فرآیندهای شهرنشینی و شهرنشینی ناهمگون تلقی می‌شوند. بافت‌های فرسوده و متروکه به معنای عام شامل کسانی می‌شود که در محدوده اقتصادی شهر زندگی می‌کنند اما جذب اقتصاد شهری نمی‌شوند (عابدینی: ۱۳۹۲).

حاشیه‌نشینان اشخاصی باشند که در اقامتگاه‌های غیر متعارف با ساکنان بافت اصلی شهر زندگی می‌کنند. گروه‌های فوق به دلیل نیروی دافعه مبدأ مانند فقر و بیکاری و عوامل شهری کمتر جذاب و به دلیل بی‌سواد بودن اکثریت این گروه‌ها و فاقد مهارت‌های لازم برای جذب، از شهرهای خود به داخل شهرها رانده شده‌اند. به بازار کار شهر، دلیل این امر این است که آنها را از شهر و به سمت بیرون رانده است (رضایی، ۱۳۸۹).

ناظران اکثراً مهاجران روستایی و عشایری هستند و کمتر شهری (از سایر شهرها یا شهرها) اغلب فاقد مهارت‌ها و دانش لازم شهری هستند. این افراد بیشتر به دلیل فشار شهرها و کشش شهرها زادگاه خود را ترک می‌کنند و به شهرها می‌روند. از یک سو به دلیل ناتوانی در تطبیق با محیط شهر و از سوی دیگر به دلایلی که مربوط به جمعیت شهر است، تمایل به کناره‌گیری از محیط شهر و زندگی در نهادهایی دارند که به یکدیگر متصل هستند یا از یکدیگر جدا شده‌اند. از یکدیگر، در نقاط شهر، همان شیوه زندگی و زندگی در مکانی متفاوت در مکان معمولی شهر. همچنین از نظر فرهنگی و اقتصادی، جمعیت محلی با وضعیت شهری متفاوت است (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۵). در همین رابطه، سه دیدگاه درباره بافت‌های فرسوده و متروکه وجود دارد که عبارتند از:

بعداقتصادی: از این منظر افراد حاشیه نشین در شرایط زوال و رهاشدگی افرادی هستند که دارای سه ویژگی هستند. بدون درآمد ثابت، کم درآمد، بیکار یا کم کار

بعد فیزیکی یا مادی: در اینجا، ساکن حاشیه ای، فردی است که در بافت‌های فرسوده و متروکه زندگی می‌کند. بعد فرهنگی: در این بینش، حاشیه نشین به کسی گفته می‌شود که ارتباط منطقی و متنا سب خود را با فرهنگ پیرامونی از دست داده و از سوی دیگر نتوانسته با فرهنگ جدید ارتباط منطقی برقرار کند (شجاعی نژاد و همکاران، ۱۳۹۹).

پیشینه پژوهش

نظری و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان بررسی تاثیر بافت فرسوده بر افزایش و گسترش مکان‌های جرم خیز (مورد مطالعاتی: محله شوش تهران) بیان می‌نماید که، محله شوش یکی از مناطق قدیمی تهران است که به دلیل داشتن سابقه طولانی بافت فرسوده به یکی از مناطق جرم‌خیز تهران تبدیل شده است و اغلب ساکنان آن مهاجران بین شهری هستند و هنوز با مکان جدید انس نگرفته‌اند. و این تصور می‌رود که ساکنان قدیمی به دلیل پاره‌ای از مسائل از جمله قرار گرفتن این مناطق در نقاط کور، قدیمی بودن منازل مسکونی و مستحکم نبودن آن، این محلات را ترک

کرده و به جای دیگر نقل مکان کرده‌اند و ساکنان جدید جای آنان را گرفته‌اند. این ساکنان دچار انواع آسیب‌ها می‌شوند و قابلیت خاصی برای پیدا کردن شغل ندارند و به دلیل عدم تمکن مالی، نداشتن سرمایه، مهارت و تحصیلات، برای سکونت محله‌های ارزان را انتخاب کرده‌اند و به علت عدم برخورداری از درآمد کافی و محرومیت‌ها به انواع آسیب‌ها و بزهکاری روی می‌آورند و حتی برای کسانی هم که مستقیم با آسیب در ارتباط نیستند با وجود همجواری صدمه وارد می‌کنند که به نوبه خود تبعات و عواقبی را به دنبال دارد که شامل نا امنی حتی در تردد و عبور و مرور اهالی به علت حضور معتادان و ساقیان مواد مخدر نیز می‌شود. هدف این پژوهش بررسی تاثیر بافت فرسوده و گسترش مکان‌های جرم خیز می‌باشد و روش این پژوهش به صورت توصیفی تحلیلی است و جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات آن به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی است. همچنین شجاعی نژاد و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی با موضوع تاثیر ویژگی‌های کالبدی بافت فرسوده محله اسدآبادی شهرستان خرم آباد بر وقوع جرم به این نکته توجه نمود که، جرایم اجتماعی دارای ظرف مکانی و زمانی ویژه ایاست که سبب می‌شود رفتار مجرمانه در واحدمکان، توزیع فضایی یکسانی نداشته باشد. بافت فرسوده محله‌ی اسدآبادی یکی از بافت‌های قدیمی و تاریخی شهر خرم‌آباد محسوب می‌شود و بدلیل ویژگی‌های کالبدی، فرهنگی و اجتماعی که داراست از جمله محلاتی است که به لحاظ فراوانی وقوع جرایم و آسیب‌های اجتماعی درصد بالاتری را نسبت به اغلب محلات شهر خرم آباد به خود اختصاص داده است. هدف پژوهش حاضر بررسی و شناخت علل مکانی و کالبدی میزان بالای وقوع جرایم در محله اسدآبادی خرم آباد است. روش پژوهش توصیفی- تحلیلی است که برای جمع‌آوری اطلاعات از روش میدانی و کتابخانه‌ای و ابزار پرسشنامه و مشاهده استفاده شده است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که درصد بسیار زیادی از خانوارهای مورد بررسی محله اسدآباد شهر خرم آباد غیربومی و دچار فقر بوده و وضعیت معیشتی نامساعدی دارند. این خانوارها اغلب پرجمعیت بوده که این امر تراکم جمعیتی موجود در محل را اثبات می‌کند. همچنین اکثر افراد، به نامناسب بودن و فرسودگی مسکن محل زندگی خود اذعان داشتند که تمامی این موارد از جمله شاخص‌ها و ویژگی‌های بافت فرسوده محله اسدآبادی است که به تبع وقوع جرم را در بافت مذکور تسهیل می‌کند. در همین راستا، نقدی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان علل بروز جرایم ارتكابی در بافت‌های فرسودی شهری بیان مینماید که، ارتكاب جرم در هر عصری از دغدغه‌های پیشینیان از دیرباز تا به امروز بوده و مسئولین در هر عصری ضمن محاکمه نمودن مجرمین، با دریافتن علل ارتكاب جرم بوده و تلاش می‌کردند که با به کارگیری راه کارهای مناسب، میزان گسترش و توسعه آن را کاهش دهند. هدف از مطالعه حاضر بررسی عوامل موثر بر بروز جرم در بافت فرسوده شهری مشکین شهر است. روش مورد استفاده برای انجام تحقیق روش پیمایشی از نوع توصیفی و همبستگی است. جامعه آماری تحقیق حاضر را کلیه مجرمین و بزهکاران ساکن در بافت‌های فرسوده مشکین شهر تشکیل می‌دهند که با حکم قضایی در زندان مشکین شهر به سر می‌برند. به جهت محدود و مشخص بودن جمعیت آماری ذکر شده، روش مورد استفاده برای نمونه گیری روش تمام شماری است و تمامی مجرمین زندانی مورد مطالعه قرار می‌گیرند و در قسمت تبیین فرضیات کلیه مجرمین ساکن بافت فرسوده مشکین شهر که تعداد آنها برابر ۲۵۰ نفر است مورد مطالعه قرار می‌گیرند. برای جمع‌آوری داده‌ها اطلاعات مورد نیاز، سوالات ساخته شده توسط محقق است. در این پرسشنامه ویژگی‌های جمعیت شناختی و سوالات مربوط به هر یک از متغیرها در جدولی خاص طراحی شده است. برای تحلیل اطلاعات از نرم افزار آماری spss ویرایش ۲۰ استفاده شده است و برای تحلیل فرضیات نیز از آزمون t تک نمونه‌ای و آزمون فریدمن

استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که از میان متغیرهای مورد مطالعه، فقر اقتصادی بیشترین تاثیر را بر بزهکاری مجرمین دارد و پس از فقر اقتصادی به ترتیب همنشینی با دوستان ناباب و ضعف اعتقادات دینی و در نهایت گسستگی خانواده در رتبه آخر اهمیت قرار دارد. گفتنی است که بابایی فرد و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی با موضوع بافت‌های فرسوده‌ی شهری و بروز جرم اشاره نمودند که، شهر حقیقتی پیچیده‌ای است به عبارت دیگر پیچیده‌ترین واقعیتی باشد که بشر تا الان آن را به وجود آورده است. میزان وقوع جرائم و انحرافات اجتماعی در مناطق مختلف شهری متفاوت است. برخی مکان‌ها به لحاظ ساختار کالبدی خاص خود، ویژگی‌های ساکنین آن و فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند، امکان و فرصت بیش تری را برای وقوع جرم فراهم می‌کند و منجر به گسترش ناهنجاری‌های مختلف اجتماعی و مشکلات عدیده‌ی فرهنگی می‌شوند. بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری یکی از گونه‌های اصلی این نوع مناطق محسوب می‌شوند. اگرچه بافت‌های فرسوده و ناکارآمد به خودی خود به عنوان یک معضل شهری مطرح می‌شوند، اما در حقیقت پتانسیل بالقوه‌ای هستند که می‌توانند با شناسایی، برنامه ریزی و اجرای دقیق، آنها به فرصت‌هایی جدید تبدیل شوند. این مقاله بر آن است تا از طریق روش کتابخانه‌ای به مطالعه‌ی بافت‌های فرسوده شهری و شناسایی خصوصیات آنها و ویژگی‌های ساکنین آنها بپردازد، و هم چنین راهکارهایی را در ارتباط با ارتقای وضعیت کمی و کیفی این گونه مناطق ارائه دهد. همچنین رضایی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «اموال آسیب دیده شهری، مکان‌های جرم خیز: تاثیر بافت‌های آسیب دیده اطراف حرم رضوی بر وقوع جرم» بیان می‌دارند که مکان ذکر شده در مشهد با توجه به فراوانی تعداد، اول یا دوم است. جنایات مؤثر بر جمعیت. همچنین، شدت مجازات در احکام دادگاه برای مجرمین در این زمینه (چه از نظر حبس و چه در مجازات) با مجرمین سایر حوزه‌ها مقایسه می‌شود که نشان دهنده شدت جرم ارتكابی در این زمینه است. با تقسیم ویژگی‌های اصلی بافت سامان به سه بخش کالبدی، جمعیتی و اجتماعی و با تکیه بر مفاهیم ارائه شده در مورد انحطاط اجتماعی و رابطه جرم و فضا می‌توان دلایل سطح بالاتر را تبیین کرد. گناه در این بافت فیزیکی: کمبود، عدم دسترسی و ناکافی بودن منابع مسکن دسترسی فیزیکی مستقیم به جرم و جنایت را فراهم می‌کند و همچنین توانایی اعمال کنترل را کاهش می‌دهد. از نظر جمعیتی: ورود و خروج میلیون‌ها مهاجر در سال، کاهش ساکنان دائمی و جایگزینی گروه‌های مختلف اجتماعی و افزایش نسبت سالمندان، اثربخشی حکومت‌داری غیررسمی کاهش و جرم و جنایت افزایش می‌یابد. از منظر اجتماعی: فقر و فقدان روابط و ماهیت گروه‌های مختلف در این زمینه از طریق انحراف مثبت و افزایش روابط مختلف منجر به وجود افراد در بافت گروه‌های مختلف و افزایش جرم و جنایت می‌شود.

تاریخچه، عوامل و معضلات ایجاد بافت فرسوده

بافت‌های فرسوده و متروکه یک پدیده اجتماعی است این پدیده منحصر به امروز نیست، ریشه در گذشته و قرون دارد و این پدیده در کشورهای در حال توسعه و در حال توسعه وجود دارد. بنابراین، تنها تفاوت کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در ریشه‌های تاریخی و ویژگی‌های رفتار فیزیکی و اجتماعی آن است. با توجه به شرایط سخت برخی از کشورها مانند برزیل، هند و پرو و همچنین برخی از کشورهای آفریقایی، ایران نیز از این پدیده مستثنی نیست، رشد شهرنشینی به کندی صورت گرفت و در آستانه دهه چهل حدود ۳۳ درصد رشد کرد. از جمعیت کشور در شهرها زندگی می‌کردند. با اجرای طرح احیای اراضی در آن دهه و افزایش درآمدهای نفتی

در دهه ۵۰، رشد شهرنشینی شتاب گرفت و این رشد به حدی شتاب گرفت که در سال ۱۳۵۷ جمعیت شهری کشور به ۶۴ درصد رسید. قطعاً افزایش یافته است. متناسب با مزایای شهرنشینی. و از آنجایی که اکثر این افراد حاشیه نشین مهاجران روستاها یا شهرهای کوچک هستند، مشکلات آنها کجا حل می‌شود؟ آنها توسط زاغه‌های ارزان شهر و مناطق اطراف آن برای به دست آوردن زمین برای سکونت به این مناطق کشیده می‌شوند و مناطقی را ایجاد می‌کنند که به تدریج به شهرهایی با سکونت‌گاه‌های غیررسمی در حاشیه تبدیل می‌شوند که بخشی از اسلام تهران است. قبلاً شادی شهر نام داشت و این نمونه بارز آن است.

شهرها در سراسر جهان به ویژه کشورهای در حال توسعه به دلیل ساختمان‌های فرسوده و متروکه با مشکلاتی مواجه هستند. سکونت‌گاه‌های غیرقانونی از دیرباز وجود داشته اند، اما اوج شکل‌گیری آنها از دهه ۱۹۶۰ آغاز شد، زمانی که شهرهای جهان با رشد بی‌سابقه‌ای مواجه بودند. فقر شهری نیز افزایش یافت و مشکلاتی را در کشورهای جهان سوم ایجاد کرد. از سوی دیگر وضعیت مسکن فقرا رو به وخامت است (مثنوی، ۱۳۹۱).

در ایران اولین جامعه کلبه‌ای در سال ۱۳۹۰ در تهران تشکیل شد. زمان نفوذ سرمایه‌داری در ایران مصادف با استقرار حکومت رضاخان است. در دوره رضاخان، آمریکا نقش بسزایی در نظام اقتصادی ایران داشت. ایران صادرکننده مواد اولیه به قطب مرکزی و واردکننده کالاهای مصرفی و صنایع موتناژ است. پس از صنعتی شدن این کشور و از بین رفتن محصولات کشاورزی، کوچ مردم به شهرها به ویژه تهران آغاز شد. از سوی دیگر رضاخان به دلیل رفتار خود باعث فروپاشی رابطه شهر و روستا شد. از جمله اقدامات وی تغییرات کالبدی گسترده در شهر تهران بود که باعث شد روستاییان برای اخذ تسهیلات به تهران مهاجرت کنند. از دیگر اقدامات اصلاحات ارضی است که باعث فروپاشی نظام فئودالی سابق شد، بدون اینکه نظام مناسب دیگری جایگزین آن شود. با افزایش مهاجرت، از آنجایی که مسکن کافی وجود ندارد و تقاضا برای آن افزایش می‌یابد، قیمت مسکن افزایش می‌یابد. این یک تقاضای قوی از یک طرف است و فکر سودآوری مالکان زمین‌های غیر شهری منجر به تشکیل مناطق حاشیه‌ای می‌شود (پیران، ۱۳۸۴).

مبانی نظری پژوهش

نظریه اختلال اجتماعی اولین بار در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ توسط جامعه‌شناسان دانشگاه شیکاگو و موسسه تحقیقات نوجوانان شیکاگو در مطالعات جرایم و بزهکاری شهری توسعه یافت. از آن زمان این نظریه در جرایم و بزهکاری‌های شهری به کار گرفته شد. مطالعه شیکاگو خانه‌های افراد مراجعه‌کننده به دادگاه‌های نوجوانان را از مناطق مختلف شهر بررسی کرد. تحقیقات نشان می‌دهد که توزیع مجرمان در مناطق مختلف شهر به طور سیستماتیک دنبال می‌شود. نرخ جرم و جنایت در محله‌ها و شهرها با طبقه پایین‌تر بیشترین میزان را دارد و در مناطق مرفه‌تر کاهش می‌یابد. ده‌ها سال است که محله‌های درون‌شهری میزان جرم و جنایت بالایی داشته‌اند، اما ساختار نژادی و قومی این مناطق به‌طور چشمگیری تغییر کرده است.

این نتایج با ارجاع به نظریه اکولوژی شهری توضیح داده شده است که شهرها را به عنوان جوامع بوم شناختی طبیعی گیاهان و جانوران می‌داند. در این نظریه، الگوهای مسکونی، تجاری و صنعتی سکونت‌گاه‌های شهری، یک الگوی اکولوژیکی از مناطق متمرکز را تشکیل می‌دهند که از مرکز تا حومه شهر امتداد دارند. نزدیک مرکز تجاری و تجاری شهر یک «منطقه گذار» است که از مسکونی به تجاری تبدیل می‌شود. این منطقه بیشترین میزان جرم و جنایت را

دارد. این منطقه گذار با پوسیدگی فیزیکی، مسکن نامرغوب، خانواده‌های ناقص و از هم گسیخته، و جمعیت ناپایدار و ناهمگون مشخص می‌شود. این منطقه دارای نرخ رسمی بالای جرایم بزرگسالان، اعتیاد به مواد مخدر، اعتیاد به الکل و فحشا است. همه این انحرافات و قانون‌گریزی‌ها نتیجه بی‌نظمی اجتماعی در این محیط شهری تلقی می‌شود. جامعه‌شناسان شیکاگو خاطرنشان کرده‌اند که ساکنان این منطقه از نظر زیستی و روانی غیرعادی نیستند، بلکه جرم و انحراف آنها واکنش طبیعی مردم به شرایط نابهنجار اجتماعی است. در این شرایط سنت‌های مجرمانه و بزهکارانه ایجاد می‌شود که به صورت فرهنگی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. صنعتی شدن، شهرنشینی و دیگر تغییرات اجتماعی در جامعه مدرن توسط جامعه‌شناسان شیکاگو به عنوان عامل بی‌نظمی اجتماعی از طریق برهم زدن کنترل اجتماعی، نظم و ارزش‌های اجتماعی سنتی دیده می‌شد (سلرز و آکرز، ۲۰۰۳).

همچنین در خصوص نظریات مرتبط با این قضیه در مکتب محیط اجتماعی و فرهنگی باید گفت که لاکاسانی و منوریه منشأ جرم را در تأثیرات فرهنگی و اجتماعی یافتند. بر اساس نظریه مکتبی که لاکاسانی مؤسس آن است، بزهکار یک نظام اجتماعی ضعیف است و شکست سازمان اجتماعی او را مجرم ساخته است. به گفته وی مجرم یک میکروب اجتماعی است و هر میکروبی در محیطی خاص رشد و نمو می‌کند و وجود شرایط مساعد در محیط باعث رشد و پیدایش جرم می‌شود. لاکاسانی می‌گوید: هر جامعه‌ای مجرمان خاص خود را دارد و مجرمان از جامعه خود متولد می‌شوند و اگر محیط اجتماعی برای پرورش مجرمان آماده نباشد، فعالیت و رشد آنها عقیم می‌ماند.

تئوری ادوین ساترلند: ادوین ساترلند معتقد است که اگر فردی در محیط نزدیک خود در معرض عوامل مجرمانه و نه غیر مجرمانه قرار گیرد، احتمال و احتمال نقض قانون افزایش می‌یابد. همان فرهنگ علائق و باورهایی وجود دارد که در آنها می‌توان از اشکال خاصی از رفتارهای ضداجتماعی و جنایی چشم‌پوشی کرد و مردم احساس نیاز به آن کنند. در این راستا محققان آمریکایی پارکر، شاو و مک‌کی ثابت کرده‌اند که با از دست دادن کنترل اجتماعی در مناطق کثیف (محله‌های کثیف) که مردم معتقد به رعایت تحریم‌ها هستند، به طور طبیعی اعمال مجرمانه ظاهر می‌شود. **نظریه مرتن:** مرتن به طور مؤثر نظریه دورکیم را مورد بررسی قرار می‌دهد و معتقد است که وقتی اهداف فرهنگی تعیین شده برای فرد دست نیافتنی باشد (همانطور که برای اکثر جوانان و طبقه کارگر و طبقه پایین دست یافتنی است)، بین آنچه ایده آل است و آنچه می‌تواند باشد، ناپیوستگی وجود دارد. نتایج و پیامدهای به‌دست‌آمده در اختلاف منجر به سرخوردگی و نافرمانی می‌شود (مورتون این نظر را در مورد فساد به طور کلی بیان کرد) (احمدیان، ۱۳۸۲). در خاتمه باید گفت که معمولاً بافت شهری و معماری آن یکی از محرک‌هایی است که می‌تواند بر ارتکاب جرم تأثیر بگذارد. مناطق دارای امنیت بالا، معمولاً فضای بازتر، مبلمان شهری بهتر، عبور و مرور بیشتر و تردد پیادگان بیشتری را داشته و همین عوامل باعث می‌شوند بزهکاران احساس امنیت در آنجا نداشته باشند و اعمال مجرمانه خود را در خفا و راحتی انجام ندهند.

مکان و جرم

از قدیم‌الایام، شناخت محیط و مکان‌های وقوع جرم و تلاش برای از بین بردن این موارد و یا کاهش تأثیر آنها، راه مهمی برای افزایش امنیت و پیشگیری از وقوع جرم بوده است، زیرا بی‌عدالتی اجتماعی هر چه که باشد. به طور کلی مکان و زمان است که این حروف را از حروف دیگر جدا می‌کند. بنابراین تفاوت در ماهیت و ویژگی‌های رفتار

انسان از جمله توزیع زمان منجر به استقرار الگوهای مختلف زمانی و زمانی جرم در عرصه‌های فضا می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد که برخی از شهرها به دلیل ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از میزان جرم و جنایت بالایی برخوردار هستند و بالعکس برخی از مناطق از وقوع جرم در بین خود پیشگیری و پیشگیری می‌کنند. از سوی دیگر، تحقیقات نشان داده است که مجرمان اغلب هنگام ارتکاب جرم، انتخاب‌های منطقی انجام می‌دهند و به دنبال فرصت‌های آسان، ارزان و خوب در داخل و اطراف جرم هستند (کلانتری و همکاران، ۲۰۰۹).

شکی نیست که همه رفتارهای انسان در زمان و مکان خاصی رخ می‌دهد. انحرافات اجتماعی در این الگوهای رفتاری در یک محیط زمانی- مکانی منحصربفرد توسعه می‌یابد. لازم به ذکر است که توزیع جغرافیایی جرایم متأثر از متغیرهای مکان و زمان، مرتکب، مرتکب و حقوق است. قربانی. جرم تحقیقات نشان داده است که در مناطق خاصی از شهر به جهت ساختار فیزیکی مناسب و ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنان و استفاده کنندگان از این مناطق، پتانسیل و پتانسیل وقوع جرم بالاست. برعکس در برخی شهرها به دلیل محدودیت‌ها و شرایط، میزان جرم و جنایت پایین است.

هر جرمی دارای ظرفیت مکانی و زمانی منحصربه‌فردی است که آن را از سایر رفتارها متمایز می‌کند و باعث می‌شود رفتار مجرمانه توزیع فضایی یکسانی در یک واحد مکانی نداشته باشد. برخی از مقالات از نظر ویژگی‌های ساختار فیزیکی، نوع اقدامات و مشخصات اقتصادی و اجتماعی ساکنان آن، فرصت‌ها و امکانات بیشتری را برای وقوع جرم و مجرمان با انگیزه در جستجوی مبتنی بر انتخاب عقلانی فراهم می‌کنند. کم خطرترین و مساعدترین فرصت‌ها و شرایط محلی برای ارتکاب جرم. مجرمان جذب آنها می‌شوند. تمرکز بر مکان به عنوان یک عامل مستقیم در وقوع جرم و نه عوامل فردی یا ساختاری، ارائه راهکارهای عملی برای پیشگیری از جرم را ممکن می‌سازد. از جهت دیگر، بررسی فضایی جرم در شهرها به در نظر گرفتن الگوهای رفتار مجرمانه، مکان یابی مراکز جرم خیز و در نهایت تبیین این موقعیت‌ها و ایجاد فضاهای مقاوم در برابر جرم و رفع بی‌نظمی شهری کمک می‌کند. به همین دلیل، تحقیقات محلی در بررسی جرم اهمیت زیادی دارد و نیاز به تحقیق مسئله را دو چندان می‌کند. ایده‌های اصلی این زمان در جرم و جنایت در جامعه که به مطالعه جرم می‌پردازد و به عنوان تبیین اصلی صورت می‌گیرد، عبارتند از:

الف) مدرسه بوم شناسی شیکاگو

ب) رویکرد فرصت شامل نظریه فعالیت روزانه و نظریه انتخاب منطقی.

ج) رویکرد پیشگیری از جرم فضایی، مشکلات پیشگیری از جرم در طراحی محیطی و پیشگیری از وقوع جرم (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۰)

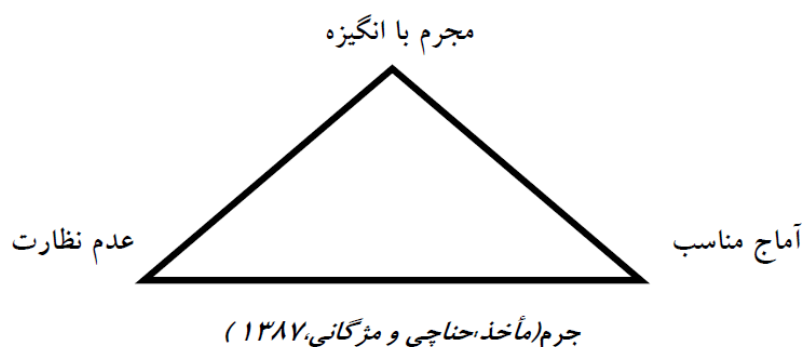
الف) مکتب بوم شناسی شیکاگو: مفهوم بوم شناسی در مکتب شیکاگو توسط متفکرانی مانند رابرت پارک و ورنر برکس مطرح شد. آنها در تبیین نابرابری اجتماعی بر متغیرهای مرتبط با ویژگی‌های شهرنشینی مانند مهاجرت، مناطق مسکونی و جمعیت تمرکز کرده‌اند. از اوایل دهه ۱۹۰۰، جامعه شناسان مدرسه شیکاگو رفتارهای مختلفی مانند خودکشی، طلاق و فحشا را در شهر شیکاگو مورد مطالعه قرار دادند تا تأثیر محیط، مانند کیفیت زیستگاه را درک کنند. تفکیک اجتماعی و جرم و جنایت و قانون‌گریزی را مطالعه کرد. (جمالی، ۱۳۹۶). «پارک» استدلال می‌کند که مناطق شهری مانع توسعه و بهبود انگیزه ساکنان شده و منجر به طرد اجتماعی می‌شود. سازمان ظاهری یک شهر تأثیرات عمقی بر الگوهای فرهنگی- اجتماعی زندگی شهری دارد. استارک، یکی از محققان مدرسه شیکاگو، پنج عنصر

از ساختار شهری را شناسایی کرد که جرم محله و کنترل اجتماعی فعال را کاهش می‌دهند: تراکم، فقر، و استفاده مختلط (حضور مسکونی، صنعتی و خرده‌فروشی). مکان یابی، مهاجرت (ورود و خروج مداوم) و آسیب و فروریختن ساختمان‌ها (شرافتی پور، ۱۳۹۲).

ب) رهیافت فرصت، شامل تئوری فعالیت روزمره و تئوری انتخاب عقلانی.

دیدگاه فعالیت روزمره: تئوری فعالیت‌های روزمره نشان می‌دهد که برای وقوع یک جرم، مجرم بالقوه باید با یک هدف امیدوارکننده در تماس باشد و هدف مورد نظر (چیزی که باید با آن مقابله شود و غیره) نباید نگهبان داشته باشد. علاوه بر این، تئوری بر این ایده تمرکز دارد که فعالیت‌های عادی (روزانه) هر فرد، آنها را در موقعیتی قرار می‌دهد که از این شرایط آگاه شوند، بنابراین، فعالیت‌هایی که اتفاق می‌افتد تصادفی نیستند. در طبیعت، و همچنین احتمال بیشتری وجود دارد که فرد هدف مناسبی را در نزدیکی محل زندگی خود پیدا کند، به ویژه هدفی دورتر، زیرا آنها اغلب بیشتر در مکان خود حرکت می‌کنند. این نظر مبتنی بر این فرض است که باید زمانی و زمانی وجود داشته باشد تقارن فضایی بین حداقل سه عامل برای وقوع جرم این سه عامل شامل حضور مجرم بالقوه‌ای است که تحریک شده است، حضور هدف از وقوع جرم و در نهایت عدم حمایت موثر پیشگیری از جرم (صالحی امیری، ۱۳۹۲). بنابراین حذف هر یک از این سه عنصر و اعمال نظارت می‌تواند از وقوع جرم جلوگیری کند.

نمودار (۱) عناصر موثر دخیل در ارتکاب جرم



دیدگاه انتخاب معقول: نظریه انتخاب اجباری یا انتخاب عقلانی جرم بر فرآیند تصمیم‌گیری مجرم تمرکز دارد، فرض اصلی آن این است که جرم رفتاری آزادانه است که هدف آن نفع مجرم است. هر دسته از مجرمان محاسبات مختلفی را در حین جرم در نظر می‌گیرند، محاسبات شرایط انتخاب هدف مجرم را مشخص می‌کند. این نظریه به دنبال این است که بفهمد یک مجرم چگونه تصمیم به ارتکاب جرم می‌گیرد. نظریه انتخاب عقلانی این ایده را دارد که مجرم قبل از اقدام فکر می‌کند. این نظریه مطابق با چارچوب نظری طراحی فضاهای شهری ایمن و کارآمد است. با طراحی می‌توان با ایجاد موانع و انسداد موقعیت‌های ارتکاب جرم و یا دشوارتر ساختن ارتکاب جرم از وقوع جرایم کیفری جلوگیری کرد. محیط فیزیکی می‌تواند با حذف مکان‌های مخفی یا راه‌های فرار راحت، از جنایت و رفتار مخفیانه جلوگیری کند. شهروندان می‌توانند با افزایش نظارت و مراقبت از اماکن عمومی و میادین و با مداخله در زمان وقوع

جرم از محیط فیزیکی برای بهبود رفتار شهروندان در جهت مسئولیت‌پذیری، برنامه ریزی شهری و کاهش جرم استفاده کنند (نقدی، ۱۳۹۰).

ویژگی‌های و نتایج حاشیه نشینی در بافت‌های فرسوده و متروکه

ویژگی‌های مشترک و مهم مناطق آسیب دیده و متروکه شبکه و افراد حاشیه نشین عبارتند از:

- بافت کهنه و هدر رفته ناشی از فقر است.
 - با افزایش مهاجرت از روستاها به شهرها، ساختمان‌های فرسوده و متروکه پدید می‌آیند.
 - کارهای غیررسمی و غیرمولد در مناطق حاشیه‌ای وجود دارد.
 - گرایش به فقر در بافت‌های قدیمی و متروکه وجود دارد.
 - روستاییان دانش کمی دارند.
 - طبقه پایین پول کمتری دارد.
 - نرخ بیکاری در مناطق با بافت فرسوده و متروکه بسیار بالاست.
 - حاشیه‌نشینان در سکونت‌گاه‌های غیررسمی و غیر استاندارد زندگی می‌کنند.
 - تراکم جمعیت بسیار بالا در مناطق حاشیه نشین.
 - میزان کار کودکان در مناطق حاشیه‌ای بسیار زیاد است.
 - میزان جنایت و انحراف در مناطق عقب مانده بسیار زیاد است.
 - از نظر اجتماعی و فرهنگی پایگاهی متفاوت با جامعه شهرستانی دارند (سقای، ۱۳۸۸)
- همچنین در خصوص تبعات سکنی‌گزینی در بافت‌های فرسوده از حیث مطالعات آسیب‌های بزهکاری باید گفت که پس از پیدایش جوامع بافت‌های فرسوده و دور ریخته‌شده، شهرها گرفتار مشکلات و معضلاتی شده‌اند که می‌تواند مستقیماً ناشی از عوامل ایجاد و تشدید بافت‌های فرسوده و دور ریخته‌شده، پیامدهای فرسوده و فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و گاه سیاسی سیاسی باشد. تاثیر می‌گذارد. برای کل جامعه، روابط اجتماعی و محیط شهری و همچنین فرهنگی و فرهنگی که با آن در ارتباط هستند و محیطی که در آن آلودگی و خطرات را ترویج می‌کنند بسیار خطرناک و مخرب است. معمولاً از حاشیه نشینان به عنوان یک معضل اجتماعی یاد می‌شود، اما این پدیده در واقع نتیجه وابستگی به درآمد نفت و گسترش الگوی مصرف گرایی و تخریب نظام مند رابطه رژیم قدیم با اقتصاد کشور در دوره‌های گسترش واردات است. گاه عوامل سیاسی در پراکندگی نقش دارند و این بر ویرانی جوامع عشایری و روستایی می‌افزاید و دلالتان بورس، رشوه‌گیران و قاچاقچیان مردم را به حداکثر می‌رسانند و استثمار می‌کنند و جایگزین می‌کنند. در جامعه شهری جنبشی در بین آنها در حال گسترش است و از آنها به عنوان افراد بی‌فرهنگی یاد می‌شود که فرهنگ خاص خود را دارند. محلی‌ها هیچ تمایلی برای برقراری ارتباط با آنها و برقراری ارتباط نشان نمی‌دهند. آنها خودشان به ندرت مقام بالایی کسب می‌کنند. با یافتن راه خود در میان جوامع شهری یا در سازمان‌های دولتی، این زندگی حاشیه‌ای از سوی جامعه شهری به آنها تحمیل می‌شود، آنها بیشتر به شانس اعتقاد دارند تا سخت کوشی. افراد دارای عقده حقارت خود را کمتر از طبقه مرفه شهری می‌بینند و مشاغل پست را می‌پذیرند. این افراد به دلیل دستمزد پایین به دلیل عرضه فراوان نیروی کار غیر ماهر، درآمد کمی دارند. این امر ساختارهای فرسوده و متروکه‌ای

را به جا می‌گذارد. استفاده از آلودگی‌ها، کلبه‌ها، محله‌های فقیرنشین و حضور جمعیت زیاد و تراکم زیاد در فضاهای محدود از نظر تحصیلی فرزندان آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد، بسیاری از کودکان دور از مدرسه در محیط‌های آلوده و کثیف زندگی می‌کنند و بدون هیچ وسیله‌ای بزرگ می‌شوند. از دیگر پیامدهای بافت‌های فرسوده و متروکه، تربیت و آموزش، واکنش سریع آنها به ناآرامی‌های سیاسی است، آنها همیشه خواهان دولتی هستند که مراقب وضعیت آنها باشد و به کسانی که وعده‌های متفاوتی از آنها می‌دهند، لطف کند (سقای، ۱۳۸۸).

پیشگیری اجتماعی (پیشگیری از طریق توسعه اجتماعی)

این یک واقعیت است که بزه‌کاری تابع تحول جامعه است. از این رو مشاهده می‌گردد که در جوامع روستایی نظارت و کنترل اجتماعی که عمدتاً از نوع غیر رسمی می‌باشد قویتر است. بزه‌کاری و جرم نیز به همان اندازه ضعیف‌تر است زیرا در این اجتماعات پایه‌های دین و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی قویتر است. اما در جوامع شهری افزایش نابرابری‌ها انواع نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی، بیکاری و حاشیه‌نشینی بخشی از مردم، فقدان امنیت مالی، تورم، عدم دسترسی به امکانات مساوی برای استفاده از فرصت‌های آموزشی و بهداشتی، رفاهی و تفریحی زمینه مساعدی برای ارتکاب جرم و گسترش فعالیت‌های بزهکارانه پراکنده یا سازمان یافته را هموار می‌سازد. اندیشه توسل به پیشگیری اجتماعی بزه‌کاری به پیشوایان مکتب تحقیقی در ربع آخر سده نوزدهم بر می‌گردد. انریکو فری معتقد بود که پیشگیری عام با تهدید کیفر خیالی بیش نیست. می‌باید آنچه وی آنها را جانشین‌های کیفری می‌نامد یعنی تدابیر اجتماعی، جایگزینی برای کیفرها وارد سیاست‌های جنایی شود (افتخاری راد، ۱۳۹۷).

پیش فرض اصلی رویکرد پیشگیرانه اجتماعی به جرم این است که انحرافات اجتماعی به طور اعم و جرم به معنای نقض قانون به طور اخص، ریشه در محیط اجتماعی پیرامون فرد کج رو دارد و قبل از هر اقدامی باید این نکته را مورد توجه قرار داد که چه عوامل اجتماعی باعث می‌شود فرد به ورطه کجروی و انحراف بیفتد. بنابراین شناسایی این عوامل پیش زمینه هر گونه رویکرد مداخله‌گرایانه در بحث پیشگیری از جرم است. در این رویکرد به جرم به عنوان یک واقعیت اجتماعی نگریسته می‌شود که ریشه در واقعیت‌های اجتماعی دیگری (به عنوان عوامل تأثیر گذار) دارد. پیشگیری اجتماعی بر مبنای علت شناسی استوار است که نظر بر حذف یا خنثی کردن عواملی دارد که در تکوین جرم مؤثرند و با دخالت در محیط‌های اجتماعی مانع از شکل‌گیری انگیزه‌های بزهکارانه و خنثی سازی عوامل جرم‌زا می‌گردد. برنامه‌های توسعه اجتماعی برنامه‌هایی هستند که به قصد بهبود برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی صورت می‌گیرند که در افزایش خطر اینکه یک فرد به مجرم دائمی تبدیل شود انجام می‌گیرد (رفیع پور، ۱۳۹۲).

به عبارت دیگر برنامه‌های *development CPSD crime privantation thought social* به شکل خاصی تلاش در کاهش مسائل اقتصادی و اجتماعی دارد که می‌تواند منجر به خطر رفتار مجرمانه شود. پیشگیری اجتماعی شامل مجموعه اقدامات پیش‌گیرنده است که با هدف کاهش و از بین بردن عواملی است که در تکوین جرم مؤثر بوده‌اند. تأکید آن بر محیط اجتماعی و انگیزه‌های مجرمین و نیز بر فرایندهای اجتماعی بلند مدت یا کوتاه مدتی است که طی آن و شاید در واکنش بزه‌کاری ظهور می‌یابد. از استراتژی‌های پنهان این روش می‌توان به طرح‌هایی نظیر کلوپ‌های جوانان اشاره نمود. به نظر برایت که یکی از نظریه‌پردازان پیشگیری است هدف این نوع پیشگیری تقویت بنیادی است که قابلیت و توان اجتماعی کردن را به منظور تأثیرگذاری بر گروه‌های که بیشتر در معرض خطر هستند

دارد. رویکرد متوجه کسانی است که در پیشگیری از جرم دارای مسئولیت هستند. زیرا یک سیاست فعالانه و بلند مدت است که توسط عوامل اقتصادی و اجتماعی که با رفتارهای مجرمانه ارتباط دارند، هدایت می‌شود. هدف این رویکرد این است که در وهله اول جرمی اتفاق نیفتد و خود یک رویکرد پیش گیرانه بلند مدت است که به شکل جدانشدنی به زندگی آنهایی که در خطر هستند پیوند خورده است زیرا هدفش بهبود کیفیت زندگی آنان است.

رویکرد پیشگیرانه بلند مدت به معنی سرمایه گذاری در راه‌حلهایی است که در جلوگیری از مسایل قبل از حادث شدن آنها نقش دارند. و یکی از رویکردهای بلند مدت در پیشگیری از جرم است (اسداللهی، ۱۳۹۱). رویکرد جایگزین دیگر برنامه‌های پیشگیری از جرم، بلکه می‌تواند مکمل آنها باشد. در پیشگیری اجتماعی تلاش می‌شود که با انجام برنامه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، رفاهی و نظایر آنها و درمان نارسائی‌های اجتماعی و بالا بردن ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی شرایط یک منطقه و نیز وضعیت مجرمان بالقوه اعتلا یافته و این روند به کاهش میزان جرم بینجامد (شرافتی پور، ۱۳۹۲).

جلوگیری از شرایط اجتماعی جرم‌زا، کنترل بزهکاری، و همکاری کلیه نهادهایی را می‌طلبد که مرتبط با بزهکاری و جرم است، تأمین امکانات رفاهی و بهداشت، بالا بردن سطح فرهنگی و بینش اعتقادی و مذهبی مردم، تهیه مسکن ارزان، از بین بردن بیکاری، و جلوگیری از مهاجرت از جمله مهمترین برنامه‌ها و مولفه‌هایی است که در پیشگیری اجتماعی از جرم می‌تواند مورد تأکید و توجه قرار گیرد. این رویکرد پیش گیرانه از جرم و انحراف برای اینکه بیشتر اثر گذار باشد باید در جهت رفع نیازهایی بکوشد که برای سال‌های طولانی در زندگی افراد وجود دارد. برای پیشگیری اجتماعی از بزهکاری و انحراف با توجه به یک یا چند هدف معین (مثلاً تکرار جرم یا سازگار ساختن اجتماعی محکوم) باید کارایی هر تدبیر مورد بررسی قرار گیرد. تا با حداقل هزینه بهترین نتایج بدست آید (فرجاد، ۱۳۸۶). در این رویکرد باید به موارد ذیل تأکید و توجه داشت:

محدود کردن نقش قانون بدون به خطر انداختن نظم و امنیت اجتماعی در مبارزه با برخی از جرائم مانند ولگردی، تجربه نشان داده در این مورد پیشگیری اجتماعی می‌تواند مؤثرتر از مداخله قانون باشد.

هماهنگ کردن بخش‌های عمومی و خصوصی (سازمان‌های دولتی و غیر دولتی) که در زمینه پیشگیری از انحراف فعالیت می‌کنند مانند دادگستری، نیروی انتظامی، کار و امور اجتماعی، آموزش و و پرورش، شهرداری‌ها و... برای عملی ساختن این هماهنگی باید کمیته‌های علمی یا محل پیشگیری به وجود آورد. باید با تعیین چارچوب این پیشگیری به همه شهروندان در پیشگیری از جرم سهیم شوند یعنی بدون آگاهی مردم از اهداف پیشگیری و بدون شرکت تمامی مردم، پیشگیری اجتماعی عملی نمی‌گردد. مثلاً در مورد جرائم اطفال و نوجوانان به منظور اجتناب از بازداشت نوجوانان و تماس غیر ضروری با نظام قضایی رسمی و جلوگیری از تکرار جرم جوانان، گزینه دادرسی ترمیمی را بر می‌گزینند. در این صورت کودک یا نوجوان مسئولیت اقدام غیر قانونی خود را می‌پذیرد و می‌تواند در روند اتخاذ تصمیم درباره نوع تنبیه یا جبران خسارت دخیل باشد. خانواده و کمیته محلی نیز در این امر مشارکت دارند و امکان تماس بین مرتکبین خلاف و قربانی فراهم شده، از حکم محرومیت از آزادی (که معمولاً شامل بازداشت قبل از محاکمه می‌باشد) اجتناب می‌شود. پلیس، دادگستری و شهروندان نیاز به اعتماد متقابل در زمینه اقدام مشترک علیه خود جرم را دارند. از این رو باید با تجدید نظر در روش‌های موجود این حس متقابل ایجاد گردد. دولت باید تدابیر امنیتی بیشتری در محله‌های جرم خیز اتخاذ نماید و اقداماتی که به منظور کمک به خانواده‌ها و

بخصوص کودکانی که در معرض انحراف قرار می‌گیرند. دولت‌ها می‌توانند تدابیر ویژه امنیتی برای مؤسسات و مراکزی که در معرض خطر بزه دیدگی قرار دارند اتخاذ نمایند (بیات، ۲۰۰۷).

وظیفه جرم‌شناسان این است که با رد این ادعا که «بزهکاری یک امر محکوم است» مسئولان دولتی را متقاعد کنند تا در استراتژی‌های معمول خود تجدید نظر کنند. برنامه‌های پیشگیری از جرم مجموعه وسیعی از برنامه‌ها و فعالیت‌ها را در بخش‌های مختلف جامعه در بر می‌گیرد و هیچ نهاد خاصی نمی‌تواند متولی آن در همه ابعاد باشد و بر این اساس نوعی هارمونی و هماهنگی بین نهادهای رسمی جامعه از یک سو و مشارکت نهادهای مردمی از سوی دیگر ضروری به نظر می‌رسد.

در برنامه‌های اجتماعی پیشگیری از جرم نقش پلیس و نیروی انتظامی در ارتباط با سایر نهادها اعم از دولتی و غیر دولتی معنا پیدا می‌کند و پلیس بدون هماهنگی با سایر نهادها قادر به تأمین نظم و امنیت اجتماعی که هدف کلی پیشگیری از جرم است نمی‌باشد (رایجیان، ۱۳۸۴). در این راستا باید بر پلیس جامعه محور و نه تهدید محور تأکید و توجه داشت که خود عبارت است از: راهبرد و خط‌مشی، با هدف دستیابی به کنترل و کارآمد جرائم، کاهش ترس از جنایت، توسعه کیفیت زندگی، گسترش خدمات پلیس و مشروعیت کار پلیس از طریق تکیه به نام جامعه که در صدد تغییر شرایط جرم خیز هستند، این امر مستلزم مسئولیت‌پذیری بیشتر پلیس، سهم شدن فعال‌تر و بیشتر جامعه در فرایند تصمیم‌گیری و توجه بیشتر به حقوق و آزادی‌های مردم است. پلیس اجتماع محور وظایفی مانند کاستن از احساس ناامنی، کاهش تعداد شکایات علیه خود، افزایش اطلاعات عمومی در خصوص شیوه‌های پیشگیری از جرم از طریق جلب مشارکت شهروندان بر عهده دارد که موجب افزایش رضایت مردم از پلیس و ارتقا میزان اعتماد عمومی به پلیس و در نهایت ایجاد احساس امنیت خواهد شد (ستوده، ۱۳۸۰).

علاوه بر تعاریف فوق در مورد انواع پیشگیری از جرم، تعاریف دیگری نیز از حقوق‌دانان مختلف بیان می‌دارم: همانطور که در فوق ذکر کردیم پیشگیری در یک تقسیم‌بندی نیز به دو دسته پیشگیری کیفری و غیرکیفری تقسیم می‌شود، «پیشگیری کیفری با تهدید کیفری تابعان حقوق کیفری از یک سو، و به اجرا گذاشتن این تهدید از طریق مجازات کسانی که ممنوعیت‌های کیفری را نقض کرده‌اند از سوی دیگر، در مقام پیشگیری عام و پیشگیری خاص از جرم است» (علوم یزدی، ۱۳۹۱).

در همین ارتباط باید خاطرنشان ساخت که ارتکاب جرم علل متعددی دارد که نسبت به هر محیط و جغرافیایی، پتانسیل‌های مختص به آن ظهور و بروز می‌یابد. لذا شایسته است که جرائم ارتكابی در حیطه بافت شهری متروکه و فرسوده نیز به صورت دقیق و عمیق‌تر و همراه با ترکیبی از نظریات شهرنشینی و حاشیه نشینی، توأمان گردد تا بتوان به عمق این مسئله پی برد.

۶- نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب بیان شده در این پژوهش، جرم یک پدیده‌ای است که در جوامع بشری در حال وقوع است و عوامل و شرایط خاصی (عوامل اقتصادی، اجتماعی، تربیتی، و...) در بروز آنها موثرند. در جوامع امروزی، پدیده بافت فرسوده و متروکه شهری و اسکان در شهرها و کلان‌شهرها امری اجتناب‌ناپذیر و از جمله چالش‌های فراروی مدیریت شهری است که امنیت منطقه را به چالش خواهد کشاند. امنیت از دیرباز مهم‌ترین دغدغه انسان‌ها و عنوان اساسی‌ترین

رکن زندگی پس از آب و غذا مطرح بوده است. گستره نیاز به امنیت وسیع تر از آن چیزی است که تصور می شود در نبود آن، امکان رشد و شکوفایی اجتماعی شدیداً محدود خواهد شد. امروزه درصد بسیاری از مردمان جهان به ویژه در کشورهای توسعه یافته در شهرها زندگی می کنند در جوامع در حال توسعه نیز شهرنشینی به شکل شتابان در حال انجام است. ازدحام و شلوغی بیش از حد شهرها از یک سو و ضرورت تامین امنیت شهروندان از سوی دیگر ایجاب می کند که در طراحی و برنامه ریزی محیط و فضاهای شهری از اصول و نظریه های مطرح در این زمینه جهت پیشگیری از وقوع جرائم و یا تقلیل آن بهره جست. از جمله دیدگاه های نظری معاصر در جامعه شناسی و برنامه ریزی شهری که به بررسی جرم می پردازند مکتب جامعه شناسی شیکاگو و رهیافت پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی است که در صفحه این انحرافات اجتماعی بر متغیرهایی که با پدیده شهرنشینی ارتباط داشت نظیر حوزه های سکونتی، تراکم جمعیت، بیکاری تمرکز نموده اند.

به طور کلی بافت فرسوده به بخشی از توسعه شهری اطلاق می شود که بدون برنامه ریزی، کنترل و رعایت ضوابط و مقررات شهرسازی توسط توده های از مردم که عمدتاً فقرا و اقشار کم درآمد شهری و مهاجران روستایی می باشند، ایجاد می شود. در محلات بافت فرسوده نرخ جرایم و بزهکاری به علت تراکم بالای جمعیت، فقر فزاینده، شکستگی ساختارها و ایجاد گسست ها اجتماعی، تضعیف پیوندهای اجتماعی و همچنین رهایی افراد از فشار افکار عمومی و کنترل رسمی، بالا ارزیابی می شود.

در واقع می توان اظهار داشت که نسبت معنیداری بین بافت فرسوده شهری و متروکه، با جرم و آسیب های اجتماعی وجود داشته و این مناطق به مثابه جزیره های آسیب زای شهری، از منابع اصلی جرم و بزهکاری به شمار می آیند. تحقیقات نشان می دهند که بافت های فرسوده و متروکه شهری، به دلیل شرایط محیطی و وجود عناصر نامساعد و همچنین به دلیل بافت ناهمگون اجتماعی و فرهنگی از جرم خیزترین مناطق شهری محسوب می شوند. حال اگر سیاست های صحیح برای مقابله و پیشگیری از وقوع جرم مورد استفاده قرار نگیرد به امنیت جامعه که محور جوامع و زندگی بشری است لطمه وارد می کند. امروزه با وجود هزینه های بالایی برخورد با مجرمان و مجازات آنها چه هزینه های زندان، اعم از امکانات: نیروی انسانی مورد نیاز، مکان آن و... و چه هزینه های و تعقیب و مورد پیگرد قرار دادن مجرمان شاید چندین برابر هزینه ای باشد که برای پیشگیری از وقوع جرم می شود. و آنچه که بیشتر جالب توجه است اینکه حتی بعد از برخورد، با مجرمان و مجازات آنها با وجود هزینه های بسیار زیاد، غالب اوقات نه تنها نتیجه مطلوب بدست نمی آید بلکه به، دلیل اجرای نادرست مجازات و فضای جرم زای زندان نتیجه و این همه هزینه وارد کردن فرد متهم و یا مجرم در بین مجرمان سابقه دار و در نتیجه تعدد و تکرار جرم می گردد. در حالیکه اگر از همان اول از وقوع جرم پیشگیری می شد و این نتایج منفی را در پی نداشت. از این رو دولت می بایست سعی بر ایجاد سیاست های پیشگیرانه در رابطه با جرائم نمایند.

راهکارها

۱- مدیریت و نگهداری فضا

تقویت بیشتر امنیت به وسیله دستگاه های دولتی مانند نیروی انتظامی در حاشیه پارک ها و خیابان ها در بافت فرسوده تقویت و ترغیب ساکنان محله برای همکاری با دستگاه های ذی ربط به منظور برقراری امنیت در محلات بافت

جمع کردن متکدیان و معتادان در حاشیه پارک‌ها و ساختمان‌های مخروبه، به‌ویژه در بافت فرسوده جنوبی افزایش فعالیت‌های شبانه‌روزی مانند داروخانه، سوپرمارکت و... در محلات بافت، به‌ویژه در بافت فرسوده شمالی ایجاد فضاهای تفریحی و فراغتی سالم، ساختن سالن‌های ورزشی، کتابخانه، پارک و بسیاری از مکان‌های تفریحی برای پرکردن اوقات فراغت ساکنان، خصوصاً جوانان این محدوده تأثیر فراوانی در پیشگیری از جرائم خواهد داشت. مطابق پژوهش میدانی یکی از خواسته‌های اصلی ساکنان، ایجاد فضاهای گذران اوقات فراغت برای جوانان و کودکان است، چراکه هیچ نوع فضای سبز عمومی و فضای بازی کودکان در محله وجود ندارد.

تعمیر و نگهداری مناسب مبلمان شهری، تابلوها و علائم شهری

۲- امنیت فیزیکی محیط

ساماندهی ساختمان‌ها و فضاهای عمومی متروکه و بدون استفاده در محلات بافت حذف فضاهای غیرضروری و مبهم در ساخت و سازهای جدید در محلات بافت پرهیز از ساخت مسکن بلندمرتبه و مستعد جرم و تشویق به ساخت خانه‌های تک‌واحدی و دو تا سه طبقه (به اعتقاد نیومن، ساختمان‌های بلندمرتبه برای خانواده‌های با درآمد زیاد و فرزندان کم، موفق عمل می‌کنند؛ زیرا به دست نگهبان و با کمک ابزارهای امنیتی چون دوربین‌های مدار بسته و قفل‌های مخصوص، ساختمان به‌خوبی محافظت می‌شود) به‌ویژه در محلات بافت شمالی

به حداقل رساندن زوایای ساختمان‌ها تا حد امکان، به‌ویژه در محلات بافت

تلاش برای تمام کردن هرچه‌زودتر پروژه‌های نیمه‌کاره شهری مثل احداث ساختمان‌های نیمه‌کاره

۳- قلمروگرایی

برای تقویت قلمروگرایی لازم است به معیارهای شهروندان به‌منظور ارزیابی و انسجام مکان زندگی توجه کرد. در طراحی فضاها باید به تنوع و تفاوت‌های فرهنگی شهروندان توجه کرد و فضاهایی متناسب با افراد آن محل و متناسب با زمینه اجتماعی و فرهنگی آن ایجاد کرد. تقویت قلمروگرایی برای شهروندانی که در فضاهایی با استفاده و کاربری‌های شبانه‌روزی هستند، مهم‌تر از شهروندانی است که در فضاهایی با کاربری‌های روزانه به سر می‌برند.

منابع

بابایی فرد، اسدالله؛ آتش افروز، سمیرا و پاشا، سمیرا (۱۳۹۵). بافت‌های فرسوده‌ی شهری و بروز جرم. همایش ملی بافت‌های فرسوده و تاریخی شهری: چالش‌ها و راهکارها.

بیات، آصف، (۲۰۰۷) سیاست‌های خیابانی در ایران- جنبش تهی‌دستان شهری در ایران، مترجم سید اسداله نبوی چاشمی، تهران: انتشارات شیرازه.

خاناباشی، محمد (۱۳۹۸)، حاشیه نشینی مشکلات و راهکارها، مجله مطالعات اجتماعی، ش ۶.

رضایی، حسن (۱۳۸۹). بافت‌های فرسوده شهری، مکان‌های جرم خیز: تأثیر بافت فرسوده پیرامون حرم رضوی بر وقوع جرم. نشریه مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۱۲.

رضایی، سلیمان، (۱۳۹۲) «تحولات شهر و شهرنشینی در کرمانشاه با تأکید بر حاشیه-نشینی»، تهران، انتشارات جامعه شناسان.

زاهد زاهدانی، سیدسعید (۱۳۹۶)، حاشیه‌نشینی، شیراز: نشر دانشگاه شیراز.

ستوده، هدایت اله، (۱۳۸۰) آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات) تهران، انتشارات آوای نور.

سقای، مهدی، (۱۳۸۸)، حاشیه‌نشینی در شهر کرمانشاه، کرمانشاه، نشر نور.

شجاعی نژاد، محمدحسین؛ افشنگ، پریرسا و عابدی، ولی (۱۳۹۹). تاثیر ویژگی‌های کالبدی بافت فرسوده محله

اسدآبادی شهرستان خرم آباد بروقوع جرم. کنفرانس بین المللی عمران، معماری، توسعه و بازآفرینی

زیرساخت‌های شهری در ایران.

شماعی، علی؛ واحدی نژاد، سیدحسین (۱۳۹۲). تحلیل فضایی جرم خیزی در بافت‌های فرسوده شهری منطقه ۱۲

شهرداری تهران، فصلنامه پژوهشهای اجتماعی، شماره ۴۰.

صالحی امیری، سید رضا، (۱۳۹۲)، حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی، تهران، نشر ققنوس.

عابدینی درکوش، سعدی (۱۳۸۲) درآمدی بر اقتصاد شهری، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

علوم یزدی، محمد حسن (۱۳۹۱)، مقایسه نگرشهای نوجوانان بزهکار با نوجوانان سازگار در استان یزد

فرجاد، محمدحسین، (۱۳۸۶)، آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، انتشارات بدر.

گیدنز، آنتونی (۱۳۹۹)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، انتشارات نی، تهران.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین، هاشم بیگی مجید، (۱۳۹۰)، دانشنامه جرم‌شناسی. انتشارات دانشگاه بهشتی

نظری سارا؛ نظام آبادی، امیررضا و فرح زاد، مریم (۱۳۹۹). بررسی تاثیر بافت فرسوده بر افزایش و گسترش مکان‌های

جرم خیز (مورد مطالعاتی: محله شوش تهران). یازدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط

زیست.

نقدی، اسداله (۱۳۹۰)، حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی، انتشارات فن آوران، همدان.

نقدی، شاپور (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان علل بروز جرایم ارتكابی در بافت‌های فرسودی شهری. کنگره بین المللی

جامع حقوق ایران.

احمدیان، محمدعلی، (۱۳۸۳) حاشیه نشینی؛ ریشه ها و راه حلها، اندیشه حوزه، شماره ۴۳ و ۴۴

افتخاری‌راد، زهرا (۱۳۹۷)، «چهره نمایی بافت‌های اسکان غیررسمی و عوامل موثر بر شکل‌گیری آن» در مجموعه

مقالات در حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی (مجموعه مقالات)، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه علوم

بهزیستی و توانبخشی پایلی

پیران، پرویز (۱۳۸۴) «فقر و جنبش‌های اجتماعی در ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸،

جمالی، فیروز، (۱۳۹۶)، «مهاجرت، شهرها و سازگاری مهاجران»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه

تبریز،

سلرز، کریستین، آکرز، رونالد ال (۲۰۰۳)، نظریه‌های بی‌سامانی اجتماعی، بی‌هنجاری و فشار، ترجمه بهروز

جوانمرد، تهران، نشریه تعالی حقوق، سال سوم، شماره ۱۲، ۱۳۹۰.

-شرافتی‌پور، جعفر، (۱۳۹۲)، «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال چهارم، شماره پانزدهم.

مثنوی، عطاءالله، (۱۳۹۱) حاشیه نشینی، معضل اجتماعی، مجموعه مقالات همایش حاشیه نشینی واسکان غیررسمی

Investigating the Impact of Abandoned and Dilapidated Cities on Crime and Relative Safety for Criminals

Neda Gholampour¹

Abstract

Urban spaces in the form of living and activity environments of citizens should create a safe, healthy, sustainable and attractive environment for all people, according to the commonalities and differences between people and age, social and gender groups, and should respond appropriately or at least according to the needs of all social strata. Meet the minimum needs of people. Therefore, one of the most important debates about livable cities that has recently been considered by urban planners and managers is the category of city security and citizens' sense of security due to various factors such as population density and lack of face-to-face communication. Security in urban environments is one of the essentials for the quality of life of citizens. Due to the special importance of this issue, the current research aims to investigate the role of worn and abandoned tissues in committing crimes, in the form of library studies and using analytical-descriptive method, it has accomplished this mission and has done a proper in-depth study in this field. Is. The results show that, basically, dilapidated fabric is a part of urban development that is caused by the lack of planning, control and compliance with the rules and regulations of urban development by a group of people who are mainly the poor and groups with low urban income and rural migrants. The rate of crime and delinquency in worn-out neighborhoods is high due to high population density, increasing poverty, broken structures and creating social discontinuities, weakening of social bonds and also liberating people from the pressure of public opinion and official control. In fact, it can be said that there is a relationship between the worn-out and abandoned urban fabric, with crime and social damage, and these areas, like urban damage islands, are considered to be the main sources of crime and delinquency. Surveys show that worn-out and abandoned urban areas are full of crime due to the environmental conditions and the presence of unfavorable elements, as well as due to the heterogeneous social and cultural context of urban areas. If correct policies are not used to prevent the occurrence of crime, it will harm the security of the society, which is the center of human societies.

Keywords: Dilapidated Fabric, Abandoned Places, Committing Crimes, Outskirts Of Cities, Iranian Law

¹Master of Laws, Criminal Justice and Criminology, Islamic Azad University, Golbahar Branch, Razavi Khorasan, Iran (Responsible Author)